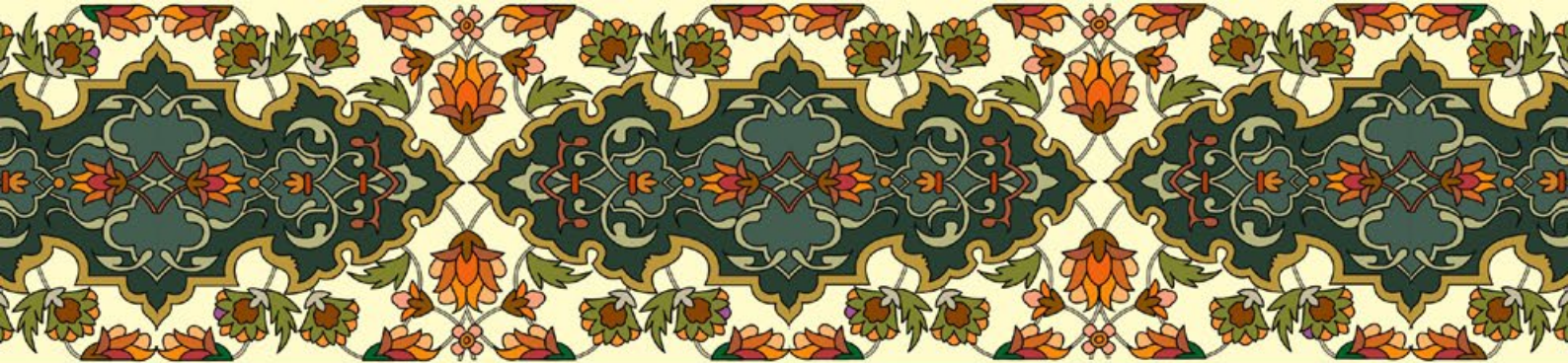




پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



شماره: ۴

عنوان: چه کسانی کتاب بازگشت به اسلام را نمی خوانند
یا می خوانند و از آن بهره نمی برند؟

نویسنده: رضا غفوریان

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۲۵

توجه: دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

يَا كَاهِلَاطَالَعُ بِرُسُلِي لَا فِتْرَةَ مِنْصُورٍ بِهَا شَيْءٌ حُرْمَانِي خَلِي حَفْظُ اللَّهِ تَعَالَى

بسم الله الرحمن الرحيم



چه بخواهیم و چه نخواهیم امروز کتاب «بازگشت به اسلام» اثر علامه منصور هاشمی خراسانی و مکتب بازگشت به اسلام خالص و کامل به یک واقعیت علمی و فرهنگی در جهان اسلام تبدیل شده است. واقعیتی که اگرچه امروز تنها توسط عده‌ای از مسلمانان جدی گرفته شده و پیگیری می‌شود، اما به زودی به یک جنبش عظیم اسلامی تبدیل خواهد شد. جنبشی که در مقابل قرن‌ها جهل و تعصب به پا خواهد خاست و موانع حاکمیت خداوند بر روی زمین را از بین خواهد برد. امروز روزهای آغازین انقلاب جهانی است؛ چرا که انقلاب بزرگ مهدوی در آخر الزمان بر پایه علم و یقین و زدودن ظنّیات و بدعت‌ها و انحرافات شکل خواهد گرفت. همان تحولی که از شدت بدیع و تازه بودنش آن را دینی جدید می‌نامند! و البته سرآغاز آن تحول عظیم امروز است. باید خداوند را به پاس این روزهای بزرگ ستایش کرد و بیداری تمامی مسلمانان جهان و بازگشت آنان به سوی اسلام خالص و کامل را از او طلب نمود.

در این میان چیزی که جای تحلیل و بررسی و آسیب شناسی بیشتر دارد سکوت بخش‌هایی از جامعه و خصوصاً علما، اساتید و روشنفکران در برابر این جریان مهم

و تاریخ ساز است که باید از منظرهای گوناگون بدان نگرست و آن را تحلیل کرد. شاید بتوان بیشتر افرادی که کتاب را نمی‌خوانند، یا آن را می‌خوانند اما از آن بهره نمی‌برند را در یکی از گروه‌های زیر جست و جو کرد:

۱. گروهی از مردم از انتشار کتاب شریف «بازگشت به اسلام» بی‌خبرند و از آن اطلاعی ندارند. این خلأی است که باید با همت مسلمانان در راستای اطلاع رسانی هرچه بیشتر از این کتاب شریف پر شود، تا حدی که روزی برسد که مسلمانی نباشد که از کتاب «بازگشت به اسلام» بی‌اطلاع باشد و آن را نخوانده و نفهمیده باشد.

۲. گروهی از مردم که کتاب را دریافت کرده و خوانده‌اند اما مشکل آن‌ها عدم فهم کامل و صحیح تمام یا بخش‌هایی از آن است، از این رو نسبت به آن بی‌اعتنایی می‌کنند. روشن است که این مساله راه حل ساده‌ای دارد. تمام مسلمانانی که موفق به دریافت این کتاب از طرق مختلف می‌شوند، می‌توانند با مراجعه به پایگاه اطلاع رسانی دفتر علامه منصور هاشمی خراسانی به آدرس www.alkhorasani.com و مراجعه به بخش شرح آثار و یا بخش پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ضمن مطالعه شرح‌های این کتاب شریف که به چهار زبان فارسی، عربی، تاجیکی و انگلیسی آماده شده و با حمایت دیگر برادران و خواهران مسلمان از اقصی نقاط عالم قابل توسعه به زبان‌های دیگر است، و نیز مطالعه سوالات مسلمانان درباره کتاب و پاسخ‌های پایگاه به ایشان، هرگونه ابهام خود را برطرف نمایند.

۳. گروهی از مردم کسانی هستند که ممکن است کتاب را به هر طریقی دریافت کرده باشند ولی به اهمیت آن پی نبرده باشند و یا به دلیل مشغله‌های روزمره فرصت خواندن کتاب و تمرکز بر روی آن را پیدا نکرده باشند لذا آن را در اولویت‌های بعدی گذاشته یا اساساً به کناری دور و مهجور نهاده‌اند. متأسفانه روزمرگی‌ها و مشکلات جاری زندگی درد همه‌گیری است که از توجه به حقیقت باز می‌دارد. اما به راستی اگر مردم بدانند که راه حل همین مشکلات روزمره‌شان مانند بالا رفتن قیمت اجناس، کرایه خانه، مشکلات تحصیلی و تربیتی فرزندان، مشکلات خانوادگی و مانند آن، در کتاب بازگشت به اسلام نوشته شده است، شاید در همان بحبوحه روزمرگی‌ها و مشکلات جایی برای خواندن و تأمل درباره این کتاب باز

کنند و نگاهشان نسبت به آن به کلی تغییر یابد و با کنجکاوی و تیزبینی فراوانی آن را بخوانند!

۴. گروهی از مردم کسانی هستند که ممکن است کتاب را بخوانند و به حقایق موجود در آن پی ببرند ولی به دلیل اختناق و فشار حاکم بر فضای سیاسی کشور بترسند و درباره کتاب چیزی نگویند یا اجازه بیان آن را نیابند! چیزی که به این عده باید یادآور شد، ترس از خدا و روز قیامت و ترس از مواخذه الهی است. چراکه محتوای این کتاب چیزی جز اسلام خالص و کامل بر پایه یقینیات یعنی آیات قرآن و سنت متواتر و براهین محکم عقلی نیست و اینها مصداق بارز معروف هستند. بنابراین دعوت به سوی آن مصداق بارز امر به معروف و لذا واجب است. بنابراین کسی که از مواخذه حکومت‌ها بیشتر از مواخذه خداوند می‌ترسد فرد باهوش و عاقلی نیست و اشتباه می‌کند و بی‌درنگ زیان خواهد کرد و پشیمان خواهد شد.

۵. برخی از مردم کسانی هستند که کتاب را درمی‌یابند ولی مطالب داخل آن را به خاطر جدید و نو نمودنش و نیز تفاوت آشکار آن با قرائت‌های رایج و مشهور موجود، دست کم در برخی موارد، حق نمی‌شمردند و از آن خوششان نمی‌آید! این شیوه نیز شیوه درستی نیست! چراکه هر چیزی جز ذات مقدس خداوند حادث است و از زمانی به بعد ایجاد شده است و این دلیل بر عدم و بطلان آن نمی‌شود! در واقع همان عقاید و اعمال قدیمی که مردم آن‌ها را خوب می‌شمردند و بدان‌ها عادت کرده‌اند، از اول وجود نداشته‌اند و نسبت به عقاید و اعمال پیش از خود جدید به حساب می‌آیند و اگر این شیوه را بپذیریم، واضح است که هیچ حقی باقی نمی‌ماند! روشن است که این عادتی نادرست است و ریشه روانی و ذهنی دارد و باید از بین برود. شیوه صحیح که قرآن کریم آن را ستوده است، توجه به همه سخنان صرف نظر از زمان و مکان و گوینده آن و تبعیت از قول أحسن با تکیه بر عقل به عنوان معیار شناخت و دوری از موانع شناخت است.

۶. عده‌ای از مردم نیز که ترجیح می‌دهند نظاره گر باشند و هیچ وقت هیچ نمی‌گویند. اینان به وضع موجود خو کرده‌اند و می‌ترسند دانستن این مکتب و لوازم آن، زندگی جاریشان را برهم زند! این‌ها کسانی هستند که بهره‌ای در آخرت نخواهند داشت؛ چراکه میان حق و باطل جایی نیست و هر کس به حق نپیوندد به

باطل خواهد گروید و این بزدلی و ترس از تغییر و رها شدن از زنجیرهای روزمرگی، توانایی بس بزرگ خواهد داشت.

۷. گروهی دیگر برخی از علما و مشاهیر هستند که خبر کتاب را دریافت می‌کنند ولی چون خود را دانای کل و بی عیب و نقص و بی نیاز از پرسیدن و دانستن می‌دانند، ممکن است به سراغ کتاب نروند یا اینکه کتاب را بخوانند اما غرورشان اجازه ندهد که در برابر حقایق آن سر خم کنند و درباره آن سخنی بگویند. البته این افراد از جهات متعدد در محاسبات خود دچار اشتباه شده‌اند. چراکه از یک سو پذیرش اشتباه و اعتراف به یک جهل نه تنها مقام یک نفر ولو جلیل‌المنزله را پایین نمی‌آورد بلکه اتفاقاً بیشتر بالا می‌برد. از سوی دیگر، بزرگ حقیقی کسی است که در پیشگاه خداوند بزرگ باشد نه در پیشگاه مردم و مشهور حقیقی کسی است که در آسمان مشهور باشد نه در زمین! و تنها کسانی نزد خداوند بزرگ و در آسمان مطهر او مشهورند که از او بترسند و اهل تقوا باشند و حق را ببینند و بشنوند و به زبان آورند و از آن تبعیت نمایند و به سوی آن دعوت کنند. ولی متأسفانه عده کمی این حقیقت بزرگ را در می‌یابند. وانگهی بالاخره چه این به اصطلاح بزرگان و مشاهیر بخواهند و چه نخواهند، حق راه خود را طی می‌کند و به سر منزل مقصود می‌رسد و در آن روز چیزی جز رسوایی برای این گروه باقی نمی‌ماند! لذا عقل حکم می‌کند که امروز، فکر فردا را نکنند و امروز پا بر غرور خود بگذارند تا فردا پا بر همه چیزشان گذاشته نشود!

۸. عده‌ای نیز با پیش ذهنیت‌های خود به کتاب می‌نگرند. هنوز آن را ندیده و نخوانده‌اند تکذیب می‌کنند و باطل می‌شمرند و برچسب‌های متعددی بر آن می‌زنند. اینان کسانی هستند که از قبل تصمیم خود را گرفته‌اند و اگر کتاب را می‌خوانند، نه برای فهمیدن و رشد و هدایت بلکه برای عیب‌جویی و انکار و بهانه‌تراشی و استهزاء می‌خوانند و به دنبال حکمت و هدایت نیستند. این عده تنها در آن روز حسرت که چشم‌ها از حدقه بیرون می‌زند، خواهند فهمید که چه زود تصمیم گرفتند و فریب شیطان را خوردند و معرکه را باختند.

۹. گروهی نیز آن قدر متعصب‌اند که به محض دیدن کوچکترین تفاوتی در کتاب با چیزها و کسانی که آن‌ها را قبول دارند، بدون کوچکترین تأملی اختیار از دست

می دهند و زبان به هتاک و فحاشی و توهین و تهمت می گشایند. این گروه نیز تنها روزی حق را می فهمند که به همراه محبوب ها و معبودهایشان یک جا وارد آتش دوزخ شوند. آتشی که تعصب کورکورانه و حمیت جاهلی شان آن را بر افروخته است. آن روز، روز حسرتی عظیم است و از آن روز باید به خداوند پناه برد.

۱۰. برخی نیز آن قدر مقلدند که بی اجازه مرجع تقلید و مقتدایشان حتی آب نمی خورند، چه رسد به خواندن و درک و التزام به کتاب گرانسنگی چون «بازگشت به اسلام»! اینان نیز به مجرد مواجه شدن با این کتاب چشم می بندند و هر آن چه مرجع تقلید و مقتدایشان گفت همان می کنند. اینان نیز در روزی سخت که مرجع تقلید و مقتدایشان از آن ها دستگیری نخواهند کرد با حسرتی بزرگ رو به رو خواهند شد.

۱۱. عده ای نیز این کتاب شریف را می خوانند و به معارف آن پی می برند، اما در غوغای فتنه و آشوب و حاشیه سازی و هوچی گری و تبلیغات مسموم دشمنان خدا فریفته می شوند و بدبین می گردند و دلشان تیره می شود و به جای متن به حاشیه می پردازند و در نهایت از حق دور می شوند. البته تردیدی نیست که این گناه بزرگ، نخست بر گردن آن فتنه گرانی است که از راه خدا باز می دارند و عذابی دردناک در انتظار آن هاست. این هوچی گران با وجود باز بودن دروازه نقد علمی و منطقی، از آن جا که هیچ برهان و منطقی ندارند دست به آلوده کردن فضا می زنند. اما به هر حال مخاطبان این کتاب شریف باید بدانند که حرکت حق تمام انبیاء و اولیاء در طول تاریخ نیز با سم پاشی و توهین و تهمت و فتنه گری مستبدان و مستکبران و زورگویان همراه بوده است و دشمنان خدا همواره با بدترین شیوه فضا را آلوده می ساختند و مردم را از راه خدا باز می داشتند. لذا اتفاق جدیدی نیفتاده است و مخاطبان این کتاب شریف باید با آزادگی و انصاف به دلایل و براهین آن نظر کنند و فارغ از احساسات زودگذر و هیجانات کاذب، حق را بیابند و به مقتضایش عمل نمایند ان شاء الله.

در واقع شاید با تکیه بر معرفت ناب «معیار و موانع شناخت» که حضرت علامه در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» تبیین کرده اند، بتوان گفت که هرگاه کسی به معیار شناخت پایبند و از موانع شناخت دور باشد به اذن خداوند به حقیقت دست

می‌یابد و به توفیق الهی به عمل به مقتضای آن نیز موفق خواهد شد. اما نکته اینجاست که کتاب بازگشت به اسلام نقطه آغاز است. کتاب با شناخت شناسی شروع می‌شود و سپس طریق صحیح شناخت را به ما یاد می‌دهد و بعد نیز ما را رها نمی‌کند بلکه با همان طریقی که یادمان داد حقیقت اسلام و اسلام حقیقی را به ما نشان می‌دهد. شاید بتوان گفت که این کتاب شریف، علمی تفصیلی را در اختیار مخاطب خود قرار می‌دهد که این علم (یقین)، مقدمه عمل است. ولی مهم آن است که این علم تفصیلی، علمی اجمالی را در مقدمه خود دارد و آن علم به جهل خود است. یعنی کسی که احتمال بدهد چیزهایی را نمی‌داند و ممکن است در اشتباه باشد و احتمال بدهد کسانی که دوستشان داشته و بدان‌ها احترام می‌گذاشته و از آن‌ها تبعیت می‌کرده در اشتباه بوده باشند، چنین کسی کتاب را می‌یابد و به گوشه‌ای می‌رود و با صرف همین احتمالات و با انصاف و بدون سوء ظن آن را می‌خواند و به خواست خداوند هدایت می‌شود. شاید بتوان مثالی را در تبیین این موضوع زد که البته مثالی قرآنی است. یک پزشک می‌تواند یک بیمار را به اذن خداوند مداوا کند و شفا بخشد اما یک مرده را نمی‌تواند! حضرت علامه نیز کسانی را می‌توانند با این کتاب شریف به اذن خداوند هدایت نمایند که بیمار اما زنده باشند. کسی که دلش در مرداب جهل مرکب و ترس از غیر خدا و تعصبات جاهلی و تکبر و تقلید کورکوارنه مرده باشد را با هیچ حکمتی نمی‌توان به راه آورد! چنانکه می‌فرماید: ﴿وَمَا أَنْتَ بِمَسْمُوعٍ مِنْ فِي الْقُبُورِ﴾ بنابراین باید از این عیوبی که دل را می‌میراند و قلب را مریض می‌کند برای خود و مردم به خداوند پناه ببریم و از او طلب هدایت و رشد کنیم، باشد که به رحم او دل‌های مردم نرم گردد و به سوی خلیفه‌اش بر روی زمین بازگردند و اسلام خالص و کامل و عدالت جهانی را بر روی زمین برپا دارند و این همان معرفتی است که عالم جلیل القدر حضرت منصور هاشمی خراسانی حفظه الله در کتاب خویش تبیین فرموده و به سوی آن فرا می‌خوانند. و الحمد لله رب العالمین



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی